

پیام بمناسبت اول ماه مه

اول ماه مه باید به دنیا اعلام کنیم: مقابله با دو قطب تروریسم کار ماست!

اول ماه مه امسال در شرایطی بسیار خطرناک و خطرناک برای مردم ایران و تبدیل کشمکش قطب های تروریست به یک جنگ تمام عیار، کابوس مردم ایران و بشریت انسان دوست جهان است. جمهوری اسلامی در بحران عمیق سیاسی و اقتصادی دست و پا میزند. کشمکش با آمریکا و غرب و قلدن نمایی در مقابل تهدیدات بین المللی عملا دارد به یک مانده آسمانی برای جمهوری اسلامی بدل میشود. جمهوری اسلامی دارد جنبش اسلام سیاسی را به صف میکند، بخصوص با موقعیت جدیدی که در عراق کسب کرده است و پیروزی حماس در انتخابات فلسطین شرایط مساعدی برای انسجام رهبری آن بر جنبش اسلام سیاسی فراهم آمده است.

اما این فقط یک روی سکه است. بحرانی که جمهوری اسلامی را در خود فرو برده است هر روزه عمیق تر و وسیع تر میشود. روزی نیست که اعتراضی، اعتصابی، شورش، درگیری ای در گوشه ای از کشور شکل نگیرد. رژیم با تمام قوا میکوشد سرکوب کند، عقب بنشاند، شاخ و شانه بکشد، عریده میکشد، اما با صفی مستحکم از اعتراض و مقاومت روبرو میشود. تعداد اعتراضات و اعتصابات کارگری آنچنان وسیع است که در تاریخ بی سابقه است. کارگران شرکت واحد با شجاعت و استقامت قابل تحسین یک اعتراض و مقاومت چند ماهه را به پیش بردند.

صدای اعتراض طبقه کارگر و مردم ایران را در جهان مطرح کردند. مهر طبقه کارگر را به مبارزات مردم برای آزادی و برابری کوبیدند. جنبش کارگری وارد مرحله نوینی شد. اعتراضات گسترده کارگری در کنار مقاومت جنبش آزادی زن، اعتراضات جوانان برای خلاصی فرهنگی، آزادی سیاسی و بالاخره مقاومت عمومی مردم در مقابل این ارتجاع قرون وسطایی شرایط را برای ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی بسیار دشوار کرده است.

اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر، روز جهانی بشریت آزادیخواه و برابری طلب است. در این روز نه تنها طبقه کارگر، بلکه تمام مردم آزادیخواه باید به خیابان ها بیایند و خواست خود برای یک دنیای بهتر، یک دنیای آزاد و برابر، یک دنیای سعادت مند و مرفه را با صدای رسا اعلام کنند. جنبش آزادی زن باید در اول مه بهمراه طبقه کارگر صدای اعتراض و حق طلبی خود را بگوش مردم برساند.

همانگونه که در 8 مارس جمع شدیم و خواهان آزادی و برابری شدیم، در اول ماه مه نیز باید در اجتماعات شرکت کنیم و خواست های خود را اعلام کنیم.

شرایط خطرناک است، وظیفه ما نیز سنگین است. مقابله با میلیتاریسم آمریکا و جمهوری اسلامی در مقابل ما قرار دارد. مقابله با هر دو قطب تروریسم رسالت امروز ماست. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران باید در مقابل صف بشریت متمرد و آزارخواه جهان قرار گیرند و دو قطب تروریسم اسلامی و دولتی را به عقب بنشانند. خلاصی از شر جمهوری اسلامی در این شرایط از هر زمان دیگر میرمیت بیشتری یافته است. باید در اول ماه مه به جهانیان اعلام کنیم که مردم ایران سلاح های هسته ای نمیخواهند و وقتی جامعه را بدست خود بگیرند کل پروژه هسته ای جمهوری اسلامی را متوقف خواهند کرد. جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی در راس آن، تروریسم دولتی به رهبری آمریکا دنیا و بشریت را تهدید میکنند و یک کابوس سیاه و دهشتناک را در مقابل دنیا قرار داده اند. مقابله با هر دوی این دو قطب کار ماست. روز اول مه باید این پیام را به دنیا اعلام کنیم.

زنده باد اول ماه مه!
زنده باد آزادی و برابری!
آذر ماجدی

تلویزیون انترناسیونال در تاریخ ۲ اردیبهشت ۸۵، با پروین کابلی سردبیر هفته نامه آزادی زن، مصاحبه مفصلی انجام داده است که ما متأسفانه به دلیل محدودیت صفحات خود، فقط بخشهایی از آن را در این شماره منتشر می کنیم. این مصاحبه را ناصر احمدی از تلویزیون انترناسیونال ضبط و پیاده کرده و در اختیار ما قرار داده است. با تشکر از ناصر احمدی که ما را در این شماره یاری کرده اند.

اخیرا جمهوری اسلامی حمله خود به حقوق و آزادیهای فردی و انسانی را وسعت بیشتری داده و طبق معمول، آغاز وسعت گیری این تعرض، از زنان شروع شده است. مقابله با بدحجابی در واقع، نقطه شروع دیگری برای دامنه بخشیدن به جنایاتی است که از سال ۵۷ شروع شده و تا کنون ادامه یافته است. در رابطه با تعرض مجددی که جمهوری اسلامی به حقوق زنان آغاز کرده؛ شیوا محبوبی از

طرح مقابله با بدحجابی تعرضی مجدد به زنان!



شیوا محبوبی: جمهوری اسلامی از دیروز تعرض جدیدی را علیه زنان شروع کرده و این دفعه ظاهرا گفته اند که خیلی قاطعانه تر ادامه خواهند داد. به نظر شما ایندفعه به قول خودشان که قاطع تر خواهند بود می توانند کارهای جدی انجام بدهند؟

مانتوهای تنگ و تا زانو بالا بردن شلوارها و اینکه آرایش می کنند و با قیافه های دیگری به خیابان می آیند باعث ناامن شدن محیط می شود و از طرفی هم اگر تا حدی یک لباس معقول بپوشند محیط جامعه امن تر می شود و کلا به زنان اذیت و آزار زیادی وارد نمی شود و در شرایط امن تر زندگی می کنند. نظر شما در این رابطه چیست؟

پروین کابلی: مسئله این است که جمهوری اسلامی در رابطه با زنان و بی حجابی و بدحجابی کی قاطع نبوده که این بار باشد. جمهوری اسلامی زمانی که حمله جدیدی را در دستور کارش قرار داده همیشه تلاش نموده که با می گیرم و می گیرم و می کشم حمله اش را آغاز کند. به قول دوستی با بالا رفتن درجه گرمای ایران هم بالا می رود. اما سوال این است که چقدر در این کار موفق می شوند. برای جواب به این سوال باید دوره های گذشته را نگاه کرد که زنان چگونه مبارزه و مقابله کرده اند. چگونه این دوره ها را پشت سر گذاشته اند و جلو رفته اند.

شیوا محبوبی: بعضی ها می گویند که پوشیدن

ادامه در صفحه ۲



شیوا محبوبی: شما سالهاست که برای حقوق زنان مبارزه می‌کنید، همچنین عضو رهبری حزب کمونیست کارگری هستید از نظر شما آزادی پوشش تا چه حدی باید باشد

پروین کابلی: به نظر من برای پوشش نمی‌توان حد و مرز گذاشت. نمی‌توانیم بگوییم آزادی پوشش تا این حد. همه، چه زن و چه مرد، حق دارند لباسی را بپوشند که فکر می‌کنند برآورنده شان است. نمی‌توان برای لباس پوشیدن نرم خاصی گذاشت.

به اعتقاد من در یک جامعه آزاد که انسانها حق انتخاب دارند بزرگسالان می‌توانند روسری یا حجاب را هم انتخاب کنند. این مشکل نیست. مشکل زمانی است که این حق انتخاب آزاد از افراد گرفته می‌شود. پوشش مسئله‌ای فرهنگی و اقتصادی است. با زمان تغییر می‌کند. ویژگی‌های شخصیتی در آن دخیل است و سلیقه ویژه هرکسی را نشان می‌دهد.

اگر نامنی به بدحجابی ربط دارد پس جواب فقر زنان را چگونه می‌دهند. زنانی که به خاطر تامین زندگی خود و فرزندانشان به تن‌فروشی روی می‌آورند و در این راه قربانی خشونت می‌شوند را چه می‌گویند. آمار افسردگی، خودکشی و خودسوزی در میان دختران و زنان آنچنان بالاست که نمی‌شود دیگر آن را پنهان کرد. آیا اینها هم بی‌حجابند؟ مشکل فقط حجاب نیست. مشکل این است که جمهوری اسلامی به این وسیله می‌خواهد موج ناراضانی عمیقی که در میان جوانان وجود دارد را پس بزند. مشکل صرفا بدحجابی و بی‌حجابی نیست. مشکل نسل جوانی است که در همین رژیم متولد شده، بزرگ شده، مدرسه و آموزش اسلامی را گذرانده و تلویزیونش را تماشا کرده ولی با وجود همه اینها اسلامی نشده است. از اسلام و نرهای آن رویکران و مدرن و امروزی است.

در نتیجه هر حکومتی که قصد تعرض به حقوق بزرگسالان را داشته باشد دچار یک معضل جدی اجتماعی و سیاسی می‌شود.

شیوا محبوبی: گفت‌ه می‌شود که حجاب یا پوشش اسلامی ابعاد سیاسی دارد. نظر شما چیست؟

پروین کابلی: من هم با این نظر موافقم. سران جمهوری اسلامی و روسای کمیسیون‌های مختلف فرهنگی و غیرفهرنگی‌شان در مورد حجاب می‌گویند که یکی از پایه‌های اسلام و حکومت اسلامی حجاب است. حجاب در ایران همیشه سیاسی بوده است. سمبل تحقیر و بی‌حقوقی زنان و در یک کلام آپارتاید جنسی است. یک رژیم معینی مثل جمهوری اسلامی که قدرت سیاسی را در دست دارد می‌خواهد با تحمیل حجاب بر زنان کلیت جامعه را کنترل کند. به همین خاطر است که حجاب در ایران یک مسئله سیاسی است. حمله به حجاب، حمله به جمهوری اسلامی است.

لحاظ سازماندهی یک مقاومت و حمله به نیروهای گشتی که به زنان و دختران حمله می‌کنند از اهمیت جدی بر خوردار است. جوانان و مردم آزادیخواه باید خود را برای یک مقابله جدی آماده کنند.

به همین جهت امروز شعارنه به حجاب مستقیما نه به جمهوری اسلامی و نه به قوانین آپارتاید جنسی معنی می‌دهد. هرچا که اعتراضی بر علیه جمهوری اسلامی بوده بلافاصله زنان حجاب‌ها را به دور انداخته‌اند.

شیوا محبوبی: از نظر شما چقدر مهم است به همین مسئله تعرضی که جمهوری اسلامی به حقوق زنان به بهانه بدحجابی و بی‌حجابی می‌کند مقابله‌ای همه‌جانبه انجام بگیرد؟

پروین کابلی: مسئله زنان در ایران سالهاست که مسئله‌های زنانه نیست. به همین دلیل حجاب زنان هم فقط مسئله زنان نیست. تجربه نشان می‌دهد که حمله به زنان فقط یک آغاز است. حمله به پیشروی مردم می‌باشد. به بقیه عرصه‌های زندگی مردم هم کشیده می‌شود. به همین



موقعیتشان در کاری زنان و تولید می اندازیم متوجه می شویم که این بخش از جنبش کارگری خواستها و مطالباتی دارند که هنوز که هنوز است برآورده نشده است و سرمایه داران و کارفرمایان و قوانین که اینها وضع می کنند، موقعیت زنان کارگر را به مراتب بدتر کرده است. برای مثال دستمزدها، دستمزد زنان کارگر با مردان برابر نیست. شدت و با آوری کار زن و مرد تقریباً با کمی تفاوت یکی بوده ولی

تولیدی، موقعیت زنانی که بچه داشته و شاغل می باشند، بحث های مربوط به مهد های کودک و شیرخوارگاه در محیط های کارگری و... در کل وضعیت بسیار غیر انسانی و غیر قابل تحمیلی را بر این بخش از طبقه کارگر تحمیل کرده است. در این میان زنان کارگر توانستند در طول دو دهه گذشته بسیاری از خواستها و مطالباتشان را که در بالا به آنها اشاره شد به رژیم و سرمایه داران تحمیل نمایند. به این معنا پیشرفتهایی



اول ماه مه و زنان کارگر

وقتی به جنبش کارگری نگاه میکنیم باید به وزن و جایگاه زنان کارگر نیز توجه کنیم. اول مه فرصت مناسبی است که به نقش این بخش از کارگران نیز اشاره ای داشته باشیم. وقتی میخواهیم از نقش زنان کارگر صحبت کنیم طبعا اولین مساله ای که به ذهن هر کس خطور میکند اهمیت ایفای این نقش است. بر اساس آمار و ارقام موجود بیش از نیمی از جمعیت فعال و آماده به کار در جامعه کارگری ایران را زنان کارگر تشکیل می دهند و همین آمار به خودی خود بیانگر نقش و قدرت اقتصادی و جایگاهی است که زنان در تولید دارند. در ایران تحت حاکمیت ضد زن جمهوری اسلامی، یعنی بیش از یک دهه، کل حکومت مشغول بود تا نقش زن کارگر را در چرخه تولید نادیده بگیرد و با وضع ارتجاعی ترین و ضد کارگری ترین سیاست ها تلاش

اول مه از راه می رسد. کارگران ایران امسال خودشان را برای برگزاری یک اول مه باشکوه آماده کرده اند. تا آنجاییکه از اخبار و گزارشات برمی آید امسال اول مه یک اهمیت به مراتب وسیعتر و مهمتر از اول مه های سالهای پیش دارد. اوضاع رژیم بشدت به هم ریخته، اعتصابات و مبارزات کارگری رو به رشد بوده، مطالبه افزایش دستمزد و مخالفت با جنگ و هزینه های جنگی رژیم دارد تبدیل به یک خواست عمومی می شود. در این میان مبارزات کارگران در طول سال گذشته نشان داده که علیرغم سرکوب و تشدید جو خفقان، حکومت به هیچوجه قادر نبوده و نیست این جنبش را به عقب براند. کارگران درسالی که گذشته ثابت کردند؛ یک نیروی بسیار مهم و تعیین کننده نه فقط برای بهبود وضع کار و معیشت خود، بلکه تغییر کل جامعه هستند.



دستمزدها نابرابر هستند. شرایط کاری و امکاناتی که زنان در محیط های کاری دارند اصلا قابل مقایسه با آن چندرغاز امکاناتی که برای مردان کارگر وجود دارد، نیست.

بدست بیاورند. در هر حال نزدیک به دو دهه طول کشید تا این بخش از کارگران بتوانند موقعیت شان را به عنوان بخش بزرگی از طبقه کارگر در جامعه تثبیت نمایند. امروز که بر می گردیم و نگاهی به اوضاع و احوال کار و شرایط

در کنار این امر وضعیت کار و شرایط کاری، بویژه پرداخت دستمزدهای بسیار پائین، موقعیت این بخش از طبقه کارگر بشدت تضعیف شد است. وجود قوانین و مقررات محدود کننده ناظر بر کار و فعالیت در محیط های کارگری، مردانه و ضد زن بودن تمامی این مقررات، تهدید اخراج و بیکارسازی و بازخرید نبود امکانات کافی در واحدها و کارخانه های

مصاحبه آذر ماجدی با زهرا دختر فاطمه حقیقت پژوه

آذر ماجدی: سلام عزیزم خیلی ممنون که قبول کردی با ما گفتگو کنی .
زهرا: خواهش می‌کنم.

آذر ماجدی: مردم تا حدودی در جریان هستند که چه اتفاقی افتاده ولی از زبان خودت بگو که چطور شد این اتفاق افتاد و مادرتم همسرشو به قتل رساند.

زهرا: ایشون هنگام شب آمده بودند رو سر من و مامان چون تحملش را نداشت و ناراحت شده بود، ازشان خواست که از این کار منصرف بشن ولی باز ایشون اومدند تو اتاق من، که مامان رسید و بردش اونطرف و صحبت کرد ولی نمی‌تونست قانعشون بکنه، تا حتی خودشون برگشتن به مامان گفتش که منو خفه کن بکش و راحت کن. بعدش مامان هم این کار را کرد و گیر افتاد.

آذر ماجدی: این دفعه اولش بود که قصد چنین کاری را داشت یا قبلا هم باز مزاحمتی داشته؟
زهرا: نه دفعه سوم بود.

آذر ماجدی: دفعه سوم بود که درواقع میخواست به تو تجاوز کنه، درسته؟
زهرا: بله.

آذر ماجدی: آیا با خواهر کوچکت هم چنین کاری کرده بود؟

زهرا: نه خواهرم را دوست داشت.

آذر ماجدی: تو خودت در آن موقع که اتفاق افتاد چه احساسی داشتی؟

زهرا: خب من خیلی کوچکت از این بودم و از این مسئله زیاد چیزی نمی‌دونستم و خیلی ترسیده بودم و نمی‌دونستم چکار باید بکنم.

آذر ماجدی: آیا این مرد مادرت را هم اذیت می‌کرد؟ کتک میزد؟ خشونت میکرد؟

زهرا: بله، وقتی دعواشون می‌شد بله.

آذر ماجدی: الان تو و خواهرت بدون مادر چطوری زندگی می‌کنید؟

زهرا: خیلی سخته خیلی.

آذر ماجدی: کجا هستید؟ خونه خودتونید؟ تنهایی؟

زهرا: نه، با پدر بزرگ و مادر بزرگم.

آذر ماجدی: از نظر اقتصادی زیر فشارید؟

زهرا: خیلی.

آذر ماجدی: تو الان کار می‌کنی؟

زهرا: نه، مادر بزرگم سبزی پاک می‌کنه برای دوستاش من هم کمکش می‌کنم.

آذر ماجدی: تونستی درس بخونی، دیپلم بگیری؟

زهرا: نه، تا دوم دبیرستان بیشتر نتونستم ادامه بدم.

آذر ماجدی: الان خواهرت چی؟ درس می‌خونه؟

زهرا: بله.

آذر ماجدی: الان ۴ ساله که مادرت تو زندانه درسته؟

زهرا: بله.

آذر ماجدی: از وضع مادرت بگو، مادرت در چه شرایطی قرار گرفته.

زهرا: خیلی ناراحته و از نظر روانی خیلی مشکل داره، اعصابش خیلی ناراحته، تحمل اونجا براش خیلی سخته چون فکر می‌کنه برای اعتقادش اینکار رو کرده ولی خودش می‌دونه که زبان برای فسادشون میان اونجا، بخاطر دزدی میان، بخاطر کلاه برداری میان و چند ماه هستن و بعد میرن ولی مادرم الان بیخود و بیجهت ۴ ساله اونجا مونده، (بغضش می‌گیره)

آذر ماجدی: ملاقات می‌کنی، اجازه میدن بری ملاقاتش؟ (بغض و شدت گریه زهرا!) متأسفم! اذیت میشی از این مصاحبه؟

زهرا: (گریه زهرا!)

آذر ماجدی: زهراجان من نمی‌خوام اذیتت کنم فقط می‌خوام که از زبان خودت بشنون، خودت بگو که می‌خوای مردم چکار کنن؟

زهرا: (با بغض و اشک) من از همه خواهش می‌کنم هر جور که می‌تونن به من کمک کنن مادرم رو به من برگردونن

آذر ماجدی: الان حکم اعدام را برای چه زمانی صادر کرده اند؟

زهرا: (قدری آرام شده است) والله تاریخشو نمی‌دونم، نه به خودش ابلاغ کرده اند و نه به وکیل، هنوز بهش ابلاغ نشده.

آذر ماجدی: وقتی با مردم حرف می‌زنی چه عکس العملی می‌بینی؟ آیا همدلی می‌کنن؟
زهرا: بله، خیلی‌ها هستند که وقتی تو اتوبوس و تو دادگاه می‌بینمشون همه شون می‌گن خیلی کار خوبی کرده، شیر زنه، کار خوبی کرده، ولی خب چه فایده که همه عمرش تباه شده، تو جونیش. (هنوز اشکاش ادامه داره)

آذر ماجدی: مادرت الان چند سالشه؟

زهرا: ۲۷ سالشه .

آذر ماجدی: زهرا عزیز این به خاطر تو نیست، این واقعیت جامعه است که چنین مشکلاتی رو بار می‌آره، بخاطر تو نیست، تو نباید احساس گناه کنی، قطعاً همه می‌دونن که چقدر ناراحتی، الان خواهرت چطوره؟ اون چی می‌گه؟ با این قضیه چطوری روبرو می‌شه؟ اون از تو کوچکت، نه؟ ۱۴ سالشه؟

زهرا: نه اون ۱۰ سالشه، اون توداره و اعصابش ناراحته. خیلی اعصابش ناراحته. ولی خب چاره‌ای نداره دیگه .

آذر ماجدی: اون می‌ره مدرسه؟

زهرا: بله سوم راهنمایی می‌ره .

آذر ماجدی: تو مدرسه معلما و بچه‌ها چطور برخورد می‌کنن؟

زهرا: معلما و مدبرش خیلی باهاش خوبن و فقط اونها می‌دونن و بچه‌های همکلاسی و مدرسه هیچکدام اطلاعی ندارن.

آذر ماجدی: الان مادر بزرگت چی می‌گه؟ که دخترش اونجا تو زندونه؟ ایشون احساس چیه؟ آیا اون می‌خواد با ما حرف بزنه؟ اونهم می‌خواد به مردم پیامی بفرسته؟

زهرا: آخه منزل نیستش که صحبت کنه.

آذر ماجدی: ایشون احساسشون چیه؟ فکر می‌کنی اگر خودشون بودن به مردم چی

زهرا: اونهم از مردم می‌خواست که هرچوری که می‌تونن صداشونو به گوش آقای شاهرودی برسونن. چون واقعا چندین بار ما خودمون رفتیم دفتر آقای شاهرودی ولی نتونستیم باهاشون ملاقات داشته باشیم.

آذر ماجدی: یعنی حتی حاضر نیستند با شما ملاقات کنند؟
زهرا: باور کنید هر بار که رفتیم گفتند نه! همیشه نمیشه!!

حتی این سری هم که رفته بودم گفتند که به کسی که پرونده زیردستش مربوطه! خب منمم دیگه اومدم، ولی خب به آقای شاهرودی مدام نامه می‌نویسم ولی جوابی نگرفته‌ام .

آذر ماجدی: وکیل‌تون نظرش چیه؟ فکر می‌کنه چه اتفاقی می‌افته؟

زهرا: خب ایشون خیلی خوشحال بودن چون (تو پرونده) گفتن که مامانم تبرئه شده، ولی خب الان حکمش دوباره تأیید شده. بعد گفتن که باید صبر کنیم تا ابلاغ شه، بعدش اعتراض می‌کنیم.

آذر ماجدی: قبل از این اتفاق مادرت چند سال باهاش زندگی کرده بود.

زهرا: قبلاًش ۲ سال باهم دوست بودن و بعدش ۲ ماه و نیم ۲ ماه هم باهم زندگی کردن.

آذر ماجدی: همه اش ۲ ماه!

زهرا: بله.

آذر ماجدی: عجب!! پدر خودت کجاست؟

زهرا: طلاق گرفتن از هم.

آذر ماجدی: الان ازش خبری نداری؟

زهرا: نه .

آذر ماجدی: من ازت خیلی تشکر می‌کنم که حاضر شدی با ما گفتگو کنی و واقعا بخاطر اتفاقی که افتاده متأسفم. ما با تمام قوا صدای تو را به گوش مردم می‌رسونیم و تلاش می‌کنیم تا مراجع بین‌المللی هم موضوع را بدانند تا بتوانیم مادرتونو آزاد کنیم. ولی الان که آرام‌تر هستی یکبار دیگه با صدای خودت بگو و بگذار مردم بفهمند که چه انتظاری داری.

زهرا: از همه هموطنانم چه تو ایران و چه خارج از کشور، خواهش می‌کنم که هرچوری که خودشون می‌دونن ناچاپی که براشون امکان داره تلاش کنن و کمک کنن که مادر من آزاد شه، و نه به خاطر من بلکه فقط به خاطر خواهرم، چونکه اون تو سنی است که به مادر احتیاج داره. ازشون خواهش می‌کنم هرچوری که می‌تونن به ما کمک کنن .

آذر ماجدی: امیدوارم که این صدا را مردم بشنونند و امیدوارم که همدردی‌ای که با تو و خواهرت احساس می‌کنند را بتونن در عمل نشون بدن. تلاش کنیم طومارهایی را امضا کنیم و فشار بیاریم مادرتون آزاد بشه. ۴ سال زندان بوده که اگر هم جرمی مرتکب شده باشد ۴ سال در شرایطی سخت در زندان بوده و دیگه تموم شده و باید کاری کنیم تا بتونه به آغوش فرزندانش برگرده و بتونه زندگی شما رو تأمین کنه.

خیلی متشکرم از گفتگوت. برات آرزوی موفقیت می‌کنم. زهرا: منمم خیلی متشکرم.

نه به حجاب اجباری
نه به آپارتاید جنسی

اول ماه مه و زنان . . .

از صفحه ۲

خلاصه کنم اول مه امسال را باید تبدیل به یک اول مه به یاد ماندنی در تاریخ مبارزات کارگران در ایران نمود. اول مه همانقدر ضد سرمایه داری و بر علیه مناسبات کارمزدی و سرکوب و استثمار است، همانقدر ضد جنگ و ضد سلاح های اتمی است. بدون شک اولین شرط پایان دادن به این همه سرکوب و تهدیدات جنگی و ساختن یک دنیای بهتر و شایسته انسانی پایان دادن به عمر ننگین حکومت اسلامی است. تنها راه برای به سرانجام رساندن این امر و تضمین اینکه گرسنگی، جنگ، فلاکت، بیکاری، تهدیدات هسته ای، نباشد، به میدان آمدن کل طبقه کارگر و سازماندهی انقلاب عظیم اجتماعی این طبقه و بر پای سوسیالیسم است. این تنها ما و جنبش ما کارگران است که می تواند این امر را متحقق نماید.

نسرین رضانعلی

دو قطب تروریستی را اعلام نمایند. باید دست به کار شد و حکومت اسلامی و آمریکا و شرکا را وادار کرد که به خواست اکثریت مردم ایران یعنی اینکه این مردم جنگ نمی خواهند، گردن بگذارند. در این شکی نیست که رژیم جمهوری اسلامی به آسانی تن به این خواستها نخواهد داد. جمهوری اسلامی در تدارک آخرین جنگ و مانورهای جنگی اش بر علیه مردم ایران است. اما این را بدانیم که رژیم امروز در موقعیتی نیست که کل مبارزه مردم و بویژه کارگران را سرکوب و روانه خانه هایشان بکند. باید به میدان آمد. باید با صدای رسا اعلام کرد که جنگ تروریست ها، جنگ ما نیست. جنگی بر علیه ماست. تروریستها از هر دار و دسته و از هر قماشی باید گورشان راگم کنند. ما افزایش دستمزد، پرداخت فوری معوقه، حق اعتصاب و حق تشکل، و دیگر خواستههایمان را میخواهیم.

تروریسم دولتی غرب و آمریکا و شرکا و تروریسم اسلامی. شرایطی که مردم ایران و منطقه را با کابوس جنگ دیگری روبرو کرده است. تهدیدات جنگی دو طرف و در این میان بویژه بحث دسترسی رژیم اسلامی به غنی سازی اورانیوم و فکر ساخت سلاح های هسته ای، و در طرف دیگر ادعاهای آمریکا و غرب مبنی بر "خطر" این قضیه برای امنیت جهانی و صلح و ثبات منطقه خاورمیانه، روبرویی های دو طرف را به سمت یک جنگ سوخت می دهد. در این شکی نیست که هر دو طرف این دو قطب ارتجاعی بر ضد کارگران بوده و حاضرند به هر جنایتی دست بزنند، اما مانع اعمال قدرت و دخالت مردم در رقم زدن آینده تغییر و تحولات جامعه شوند. در اول مه امسال کل کارگران باید مطالبه و خواستههای شان را با صدای هر چه بلندتر اعلام نمایند. اعلام کنند که کارگران جنگ نمی خواهند. اعلام کنند که به جای هزینه کردن ارقام نجومی برای تجهیز ابزار و آلات جنگی، به جای صرف اینهمه هزینه، برای کشتار مردم، باید هر چه زودتر به این مسابقه تسلیحاتی، پایان داد. باید اعلام کرد که ما سلاح اتمی نمی خواهیم. آمریکا و غرب که خودشان سازنده این سلاح های مرگبار و مسئول کشتار هزاران انسان در گوشه و کنار جهان بوده و هستند، خودشان جانین اسلامی را برای سرکوب مردم و انقلاب مردم برسر کار آورده اند. و باید با صدای اعتراض خود نشان دهیم که این بار مردم نظاره گر منفعل اوضاع نخواهند بود. کارگر نه جنگ می خواهد نه سلاح اتمی. افزایش دستمزدها، برخورداری از امکانات رفاهی و بهداشتی، حق تحصیل رایگان برای کودکان با تمامی امکانات، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، حق تشکل و اعتصاب و... همگی مطالباتی بوده و هستند که در این روز باید فریاد زد. از این نظر اول مه امسال ویژه است. کارگران ایران، چه زن و چه مرد، چه شاغل و چه بیکار باید مخالفت خودشان را با جنگ افروزی این دو قطب تروریستی اعلام نمایند. کارگران باید وسیعترین جنبش ضد جنگ بر علیه هر

اعتراضشان را بلند کنند. این روز مطرح می شود خود گویای درجه سیاسی بودن و مصمم بودن کل کارگران برای تغییر وضعیت موجود به نفع اکثریت مردم می باشد. اول مه روزی است که کارگران زن با اعلام خواستها و مطالباتشان و تلاششان برای تحمیل این خواسته ها به دولت و کارفرمایان نشان می دهند که از چه قدرت و جایگاهی برخوردار هستند و نشان میدهند که دیگر نمی شود این جنبش عظیم را نادیده گرفت. در این روز زنان مردان کارگر به همراه خانواده هایشان و همسرانشان کار را تعطیل کرده و ضمن برپایی تجمعات و مراسم های ویژه این روز، اعلام می کنند که خواستههایشان چیست و عزم جزمشان را برای رسیدن به این خواستها اعلام میکنند. در این روز باید اعلام کرد که ما خواهان برچیده شدن تمامی قوانین و مقررات ضد زن و ضد کارگر که در قوانین تعبیه شده و زمینه های قانونی استثمار را تثبیت نموده است، قوانینی که دست کارفرمایان و دولت را بر ای یکه تازی و به اجرا گذاشتن این شرایط مشقت بار باز گذاشته است هستیم. اعلام کنیم که ما خواهان دستمزد برابر در برابر کار برابر و بر چیدن تمامی قوانین و مقررات ضد کارگر و ضد زن، بویژه برچیده شده طرح جداسازی زن و مردان در محیط های کار هستیم. اعلام کنیم که زنان و مردان باید از تمامی حقوق قانونی و تمامی امکانات رفاهی، بهداشت و درمان و غیره به یکسان برخوردار باشند و نیز برای برداشتن هر گونه مانعی بر سر اشتغال و فعالین اجتماعی زنان و ابزار وجود اجتماعی برابری آنان با مردان خواهان برخورداری زنان از حق و حقوقی نظیر مرخصی دوران بارداری با پرداخت دستمزد و غیره باشیم.

همه این نابرابریها قانونا و با استناد به قوانین ارتجاعی و اسلامی، از قانون کار گرفته تا کل قوانین کشور انجام میگردد و به جزوی از قوانین جاری مملکت تبدیل شده است. قوانینی قیام مآبانه که همچون یک صغیر به زن نگاه میکنند و برای آن حکم صادر میکنند. زنان در برابر این همه محدودیتهایی که قانونی بوده و مدام با استناد و اتکا به افکار و عقاید عقب مانده تولید و باز تولید می شوند، راهی جز مقاومت و مبارزه نداشته و ندارند. نمونه برجسته این قوانین طرح جداسازی زن و مرد در محیط های کار می باشد. طرحی بی نهایت ضد زن و ضد انسانی. زنان کارگر سال هاست که درگیر مبارزه برای برچیدن این طرح بوده و خیلی از جاها دو فاکتو این امر را به سرمایه داران تحمیل کرده اند. یا برخورداری از مرخصی دوران زایمان، دسترسی داشتن به امکانات پزشکی، پرداخت حقوق ایام بارداری، تربیت کودکان، تامین امنیت شغلی و شرایط بهداشتی محیط کار و امکانات ایمنی و... اینها همه و همه مطالبات و خواستههایی هستند که زنان کارگر درگیر مبارزه برای تحمیل به کارفرمایان و سرمایه داران و دولت می باشند. این نابرابری، این تبعیض، این شرایط دشوار کار و زندگی برای زنان، بطور واقعی شکافی بزرگ است در صف مبارزه کل طبقه کارگر. باید این شکاف را از میان برد. این تحقیر به کل جامعه است باید علیه تحقیر و همه وجوده تبعیض و نابرابری ایستاد. اکنون که به استقبال اول مه میرویم باید یک بند قطعنامه های اول مه رفع هر گونه تبعیض و نابرابری علیه زنان باشد. اول مه که سنتا روز تعطیل کردن کار، روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر بر علیه مناسبات سرمایه داری و لغو کارمزدی است. روز ابزار وجود سیاسی کارگران در جهان است. در این روز باید زنان کارگر با پای مردان کارگر با مطالباتی روشن و رادیکال به خیابانها بیایند و این روز همبستگی بین المللی را



MAY DAY

آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.de

Tel: +46 707 744 02

اسماعیل اوجی

نیاز فائدی